

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگردان از: حمید بهشتی

۲۳ اگست ۲۰۱۱

امپریالیسم در زیر چادر

حقوق زن در اسلام

از مبارزه با ستم بر زنان مسلمان در جهت اسلام ستیزی سوء استفاده می گردد و هوچی گران غرب به این موضوع که می رسند رو به تبلیغات امپریالیستی می کنند – در حالی که این فکر هرگز به ذهن آنها خطور نمی کند که در باره ستم بر زنان مسیحی نیز کلامی بر زبان آورند.

زمان کوتاهی پس از ۱۱ سپتمبر و آغاز جنگ در افغانستان موضوع «زن در اسلام» در امریکا و غرب به اهمیت ملی رسید و با سخنرانی رادیوئی بانوی اول (امریکا) لورا بوش در ۱۷ نومبر ۲۰۰۱ تبدیل به مهم ترین موضوع روز شد. وی گفت:

«انسان های متمدن در سراسر جهان به وحشت افتاده اند، آنها نه فقط بدین خاطر که دلهای ما به خاطر زنان و کودکان افغان می سوزد، بلکه به این خاطر نیز که ما در افغانستان می توانیم ببینیم که دنیائی را که تروریست ها به ما تحمیل می کنند، چگونه دنیائی است ... مبارزه با تروریست ها، مبارزه برای احقاق حقوق زنان نیز می باشد.

و روز پس از آن چری بلر، همسر نخست وزیر انگلستان نیز نظیر همان سخنان را تکرار نمود. با تأثیر پذیری از این واژه کلیدی رسانه ها نیز آغاز کردند به اینکه جنگ افغانستان را جنگی عادلانه و در خدمت نجات زن مسلمان جلوه گر سازند.

به نوشته یکی از روزنامه نگاران انگلیسی برقع تبدیل به بیرقی جنگی گشته است. در ماه های بعد، رسانه ها پر بودند از گزارشات حاکی از فقدان حقوق زنان در افغانستان و متضمن این که اسلام همواره بر زن ستم نموده است. و آنگاه پوشش زنان در همه فرم های آن، چه برقع، چه حجاب یا نقاب برای ممالک غربی تبدیل شد به موضوع ملی که ممنوعیت سرپوش در مدارس فرانسه در سال ۲۰۰۴ آغاز این ماجرا بود.

این راهکار که مبارزه با ستم بر زن را برای مشروعیت بخشیدن به اعمال حاکمیت خود به کار گیرند، طبیعتاً نیرنگی بود که بیش از همه امپریالیست های فرانسوی و انگلیسی در گذشته مکرر از آن استفاده کرده اند. چه علیه

مسلمانان، چه هندوها و یا دیگران. درست همین منطق و سخنوری را گایاتری شیویاک در عبارت مشهور خویش شرح داده است: «مردان سفید پوست زنان تیره رنگ را از دست مردان تیره رنگ نجات می دهند».

آنان که گذشته امپریالیسم را می شناسند، در شگفت اند از این که چگونه این نیرنگ قدیمی هنوز کاربرد داشته و جواب می دهد. طولی نکشید و این تبدیل به توافق جمعی ما شد که نیروهای ما در افغانستان بدین خاطر آنجا رفته اند که زنان را از رفتارهای وحشیانه طالبان نجات دهند، رفتارهایی که به اسلام نسبت داده می شوند.

احساسات دشمنی نسبت به اسلام

من در تحقیقات خویش به نتایج این اندیشه پرداخته ام: تحقیقات بر روی گزارشات زنان مسلمان در امریکا که در رابطه با هراس از اسلام و گفتمان جدیدی که در باره «زن در اسلام» در انبوهی از کتاب هایی که در سال های گذشته از جانب زنانی با پیشینه مسلمانی انتشار یافته اند. این کتاب ها که گویی شهودی بر ویژگی وحشتناک ستم بر زن در اسلام می باشند در واقع نیز تبدیل به پرفروش ترین کتاب ها گشته اند.

به نقد کشیدن علمی این کتاب ها به خاطر نشان دادن این است که در لوای جانبداری از زنان مسلمان، احساسات دشمنی با اسلام و مردان مسلمان تحریک گشته و نهایتاً به حمایت از سیاست اسلام ستیزی می انجامد. این نیز قابل توجه است که همان جماعت ها و نشریاتی که با زنان ستم دیده نویسنده اظهار همدردی می کنند، در عین حال کوچک ترین تعارضی نسبت به تعداد بی شمار زنان و کودکان جانباخته در جنگ های عراق و افغانستان از خود نشان نمی دهند.

سخنوری فاقد معنا و محتوا

هنگامی که من به تاریخچه موضوع «ستم بر زنان در اسلام» نظر کرده و آن را مورد مطالعه قرار می دهم که در خدمت چه اهدافی از آن استفاده شده است، نتیجه گیری من روشن است: زمان آن رسیده است که این موضوع را از مباحث خویش حذف کنیم. این واقعا چیزی جز سخن گفتن بی معنا و بی محتوا نیست که از دوران امپریالیسم باقی مانده است. و اکنون دیگر زمان آن فرا رسیده است که اینگونه سخنوری را رها کنیم.

مسئلاً بیهوده است اگر کسی امروزه مدعی شود می خواهد به طور کلی در باره ستمی که بر زنان از جانب مسیحیت اعمال می شود سخن گوید و در اینکار میان موقعیت زنان مسیحی در نیجریه، هندوستان، آرژانتین، روسیه و ایتالیا تفاوتی قائل نگردد. درست به همین گونه در مورد ستم بر زنان در اسلام در گفتمان حاضر کلی گویی می شود.

واقعا نیز تفاوت های زیادی میان شرایط زندگی زنان مسلمان در عربستان سعودی، ایران، اندونزی، ترکیه، فرانسه و امریکا وجود دارند و اگر بخواهیم این ها را همگون بدانیم کار بیهوده ایست.

اینکه می گویم گفتمان باقیمانده امپریالیسم را رها کنیم بدین معنا نیست که این را نفی کنم که در اسلام رویکردها و قوانینی وجود دارند که واقعا به طرز وحشتناکی زنان را مورد تبعیض قرار می دهند.

از جانب دیگر بر این باورم که در حال حاضر در غرب بر این جهات به شدت تأکید می گردد. این کار بیهوده ایست که در باره اسلام به طور کلی و هن آمیز سخن گفته شود. به جای آن باید با قوانین و رسومی که نسبت به زن تبعیض آمیز می باشند یکی یکی مبارزه کرد. یکی دیگر از تأثیرات ۱۱ سپتمبر بر وضع زنان مسلمان در غرب است که اینجا بدان اشاره می گردد، به کوشش های زنان مذهبی مسلمان در غرب به ویژه در امریکا.

این زنان که بسیاری از آنها دارای حجاب می باشند برای رسیدن به موقعیت های رهبری در سازمان های اسلامی می کوشند. آنها متون قدیمی و از جمله قرآن را بازخوانی کرده، قرائت آنها برای کسانی که مرد را محور تفاسیر خود قرار می دهند قابل رویارویی است. برخی از آنها با متون قدیمی در باره حجاب رویکرد تازه ای داشته و نتیجه گیری می کنند که اجباری نبوده و با اینحال بر باور مسلمانی خود باقی می مانند.

مسلماً برای آن دسته از زنان که حجاب دارند روشن است که در کشورهای غربی که زنان قادرند به گونه ای لباس بپوشند که دلشان می خواهد، دیگر مردسالاری حاکم نیست، خلاف کشورهایی که مسلمانان در اکثریت هستند. هنگامی که من در این باره با زنان مصاحبه کردم از جمله یکی از آنها گفت به هیچ وجه بر این باور نیست که داشتن حجاب از جانب دین وظیفه می باشد. اما وی با اینحال حجاب خویش را حفظ می کند تا مردم جوامع ما در غرب به پیام سکسی که وجود دارد متوجه گردند. و نیز به این فشار که باید آنچنان لاغر بود که با سلامتی انسان دیگر همساز نیست.

سربلندی به خاطر هویت مسلمانی

یکی دیگر از زنان گفت که او حجاب را درست به همان دلیلی رعایت می کند که یکی از دوستان یهودیش جارموکه می پوشد. حجاب نشان حضور اقلیتی مذهبی و مغرور به هویت مسلمانی است که دارای همان حقوقی می باشد که سایر شهروندان دارند. آنها به حجاب ملبس می شوند و بدین وسیله سربلندی خویش را از هویت اسلامیشان نشان می دهند. همانگونه که در سال های دهه ۶۰ امریکائیان افریقائی تبار با آرایش موهای خویش می کردند. و اکنون که برخی از ممالک اروپائی این بحث را دنبال می کنند که حجاب را ممنوع سازند لازم است که به خاطر بیاوریم که ممنوعیت حجاب در گذشته معمولاً بی اثر بوده است. در مقابل آن اکنون در امریکا که چنین ممنوعیت هائی وجود ندارند، گروهی از زنان مسلمان هستند که پس از مطالعه دقیق قرآن حجاب را کنار گذاشته اند. زیرا آنها بدین نتیجه رسیده اند که پوشش سر از نظر ایمانی فاقد اهمیت است.

برگرفته از قنطره - ۱۸ اگست ۲۰۱۱

<http://de.qantara.de/Imperialismus-unterm-Schleier/16951c17385i0p8/index.html>